بسم ا... الرحمن الرحيم

به نام خدا و با سلام به امام زمان و نايب بر حق او خميني كبير و با درود به امت رزمنده ايران.

اينجانب در اين لحظه كه به جبهه آمده‌ام احساس مي‌كنم كه به آرزوي ديرينه‌ام اگر خداوند تبارك و تعالي بفرمايد به آن رسيده باشم.

همسر گراميم، به ياد داري زماني كه به تو گفتم مي‌خوام به جبهه بروم و صحبت از مسايل جبهه با تو مي‌كردم تو حتي اصرار مي‌ورزيدي كه چرا به جبهه نمي‌روم. هرچه زودتر و هرچه صحبت از شهادت هم با تو كردم به هيچ وجه تو ناراحت نمي‌شدي، من هم خوشحال بودم كه همسري دارم چون تو، اميدوارم با همين روحيه باقي مانده باشي. همسر عزيزم من در اين مدت همسري با خودم، متوجه هستم كه نتوانستم به آن صورت تو را خوشبخت نمايم و هميشه با تو باشم. كاري بهتر از اين نمي‌توان كرد. اما واجب‌تر بود ما بايد براي حفظ انقلاب خونين و پربارمان سعي و تلاش نماييم هر چند از ما كاري برنمي‌آيد ولي آنچه كه در توان ما بود زيرا خداوند بيشتر از توان ما چيزي از ما نمي‌خواهد. اميدوارم اگر گناهي در اين مورد مرتكب شده‌ام خداوند مرا عفو نمايد.

سعي كن در شهادت من گريه نكني كه باعث خوشحالي دشمنان و ضدانقلاب شود و از تو مي‌خواهم كه دنبال احكام اسلام و بپا داشتن نماز و روزه باشي و اگر خداوند به ما بچه‌اي عطا كرد در تربيت اسلامي او حداكثر تلاش را كن زيرا او فرزند يك شهيد راه اسلام مي‌باشد. اگر خداوند قبول نمايد و به خواهرهايت بيشتر رسيدگي كن طبق همان سفارشي كه در مورد حجاب به تو كرده بودم . سعي كن به آن خوب عمل كني و تو اي پدر بزرگوارم مرا حلال نمائي و از زحمتهائي كه تو براي من كشيدي تا اينكه به اين سن رسيدم و به اين راه رفتم تشكر مي‌كنم.

پدر عزيزم ما همه در اين دنيا رفتني هستيم و چه بهتر راهي براي رفتنمان انتخاب نماييم نبايد تن به ذلت آنها هم بدهيم و ما ديگر حتي نمي‌توانيم در خانه خودمان هم نماز بخوانيم و ديگر نه شرفي براي ما مي‌ماند و نه ناموسي. اميدوارم دنبال خط مشي امام باشي و اطاعت از امام اين نايب برحق امام زمان را نمائي. سعي كن بيشتر به آخرت فكرنمائي نه به دنيا. زيرا دنيا فاني و از بين رفتني مي‌باشد و آنچه كه باقي خواهد ماند چيزي مي‌باشد كه براي آخرتمان پس انداز مي‌نمائيم و از تو مي‌خواهم كه براي من گريه نكني و خوشحال باشي از اينكه هديه‌اي ناقابل و ناچيز به خدا اعطا كرده‌اي.

و تو اي مادر گراميم و مهربانم كه بهشت زير پاي تونيز مي باشد از تو مي‌خواهم كه مرا حلال نمائي زيرا من در دنيا نتوانستم كاري انجام بدهم كه باعث خوشحالي تو شود سعي كن در خط امام و انقلاب باشي و اطاعت از امام كني و به همسايگان كم درآمد دسترسي نمائي و تو همچنين مادر عزيزم سعي كن به خاطر من گريه نكني و افتخار كني كه فرزندت در راه خدا كشته شد و از برادران و خواهرم مي خواهم كه بيشتر عبادت كنند و در خط حزب‌ا... باشند.

تنها پيامي كه مي‌توانم به دوستان و آشنايان نمايم اين است كه به هوش بيايند كه موقعيتشان چگونه است دشمن نمي‌خواهد انقلاب ما پيروز شود. نمي‌خواهد ما رشد كنيم و از آن حالتي كه ما در زمان طاغوت پيدا كرده‌ايم بيرون بيائيم و خودمان را از آن لجنزار و ذلت و خواري نجات پيدا كنيم. برادران عزيزي كه بي‌تفاوت هستيد به موقعيت زماني خود، آيا مي‌دانيد كه امام تو علي(ع) درباره تو چه مي‌گويد؟ مي‌گويد هركس به خوب و بد زمان خويش آگاه نباشد حالت حيوان دارد. حيواني كه فقط به فكر اين است كه غذائي پيدا كند تا خود را سير نمايد و ارضاي جنسي خود را نمايد، آيا تو مي‌داني در چه موقعيتي قرار گرفته اي؟ امروز روزي است كه بايد سالها براي حسين عزاداري كرده و مظلوميت ايشان و ناراحتي براي او، بايد لبيك گوئي. تو مي‌داني كه امام حسين را به چه جرمي بقتل رساندند و او را شهيد كردند و آن همه سخنش درباره خواسته ظالمين اين بود كه مي‌گفت: زندگي با ظالمين اين بود كه بجز ذلت چيز ديگري نمي‌بينم و مرگ را در اين راه چيزي بجز سعادت نمي‌بينم پس بيائيم آخر تا كي به اين زندگي حيواني ادامه بدهيم. با تو هستم برادري كه هميشه دنبال عياشي مي گردي، با تو هستم برادري كه فرهنگ غربي و امپرياليستي را نمي‌خواهي و از خودت دورنمائي و هميشه دنبال آن هستي. به خود بيائيد ببينيد برادران شما در جبهه چه مي‌كنند چگونه خالصانه از تمام هستي گذشته‌اند و بسوي خدا آمده‌اند، ببينيد چطور به نداي امامشان لبيك گفته‌اند ببينيد چطور براي حفظ شرف و حيثيت خود دارند تلاش مي‌كنند تا اينكه اينگونه مسئله براي آنها حل شده و هر لحظه آرزوي شهادت مي‌كنند. آيا اينها انسانهائي جدا از شما هستند؟ مگر نه اين است كه خداوند همه را يك‌جور آفريده؟ پس چرا شما به حرفي كه مي‌زنيد خلاف آن عمل مي‌كنيد؟ مگر نه اين است كه آرزو مي‌كرديد در صحراي كربلا بوديد و امام حسين را ياري مي‌كرديد؟ خوب اين هم كربلا و اين هم امام. چرا مانند مردم كوفه مي‌مانيد كه در آن شرايط امام حسين را تنها گذاشتند، چرا مي‌خواهيد پا روي خون اين همه شهيد بگذاريد، به هر صورت مرگ انسان فراخواهد رسيد و آنوقت ديگر دير خواهد شد، چطور مي‌تواني جوابگوي خداوند باشيد، شما منتظر هستيد كه چه كسي شما را هدايت نمايد به اين كلام قرآن گوش دهيم كه مي گويد :

« قل فلله الحجه البالغه فلوشالهديكم اجمعين »

يعني بگو پيغمبر براي حجت بالغه است پس اگر مشيتش قرار مي‌گرفت همه شما را هدايت مي‌كرد

و اما تو برادر عزيزم حجت‌ا... مالمير كه تنها يار و غمخوار من در اين مدت بودي، من وصيتي ندارم كه به تو بنمايم چون در توانم اين را نمي‌بينم.

اميدوارم اگر اشتباهي از من ديده‌اي عفو نمائي و تنها سفارش من به تو كه باز هم اين از من نيست كه به بگويم اين است كه بيشتر تقوا را پيشه خود كني. از تو مي‌خواهم كه جهت عضويت در سپاه به سپاه بروي زيرا كه نمي‌خواهم در سپاه كسي از ما نباشد. شهيد عزيزمان مجيد مريوند كه رفت اگر خداوند روزي اين بنده نيازمند درگاهش را هم كرد و من هم رفتم، مي‌خواهم كه تو در آنجا باشي و از مسئولين سپاه مي‌خواهم كه جهت عضويت تو اقدام نمايند و اسلحه كمري من هم متعلق به تو مي‌باشد. اميدوارم بتواني فرد مفيدي براي اسلام باشي. ديگر عرضي ندارم فكر نمي‌كنم به كسي بدهكار باشم و اگر هم هستم خواهش مي‌كنم به حجت مراجعه نمايد جهت دريافت طلب خود به خانواده‌ام نمي‌خواهد مراجعه كند و اگر هم از كسي طلبكار هستم به خانه بدهد يا به همان حجت‌ا... مالمير. اميدوارم اين آخرين وصيتنامه من باشد و اگر وصيتنامه‌هايي را هم كه قبلاً نوشته‌ام و پيش كسي مي‌باشد باطل مي‌باشد.

به اميدپيروزي اسلام بر كفر

صادق عنبري 21/12/60

والسلام